



بررسی شروع به نوزادربایی در حقوق موضوعه کنونی

رشید نزه کارگر

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

از پیش مقنن را در تدوین مجموعه قوانین مزایای با رعایت اصل یکنواختی و یکپارگی در تدوین و بازنگری در مزایم با ماهیت یکسان را می‌تواند نگارنده ضمن موافقت با اصل کلی جرم زدایی، جرم انگاری از پدیده «شروع به نوزادربایی» را به دلایلی که بعداً ذکر می‌گردد به مقنن پیشنهاد می‌کند.

کلید واژه ها:

شروع به جرم - شروع به نوزاد ربایی - اندیشه مجرمانه - تعلیق مجازات - میزان مجازات

اصولاً قلمرو مقوق کیفری، موزه‌ی استثنائات می‌باشد، زیرا مقنن با وضع یک ماده قانونی به طور مستقیم و غیرمستقیم رفتار افراد را تمت نظر دارد هر چند با تصویب یک ماده قانونی شهروندان خود را ملزم می‌دانند که بر خلاف آن عمل ننمایند. از آنجایی که قوانین و مصوبات مزایای به طور مستقیم با نظم اجتماعی ارتباط تنگاتنگ دارد و از شایعه مقوق عمومی مسموب گردیده و با جان، مال، میثاق، شرافت افراد جامعه سروکار داشته و از ضمانت اجرایی کامل و کافی برخوردار است جملگی این اوصاف، لزوم اهتمام بیش

کلیات:

برای این که عملی جرم تلقی گردد، باید قانون گذار خود قبلاً عناصر آن جرم را تعیین نماید. ارکان جرم که از آن به عنوان عناصر متشکله جرم نیز یاد می کنند عبارتند از: ۱- عنصر قانونی ۲- عنصر مادی، ۳- عنصر معنوی (روانی یا اخلاقی).

تا وقتی که عملی از نظر قانون ممنوعیت نداشته باشد، نمی توان برای مرتکب آن مجازات تعیین نمود و این در واقع همان مطلبی است که ماده ۲ قانون مجازات اسلامی صراحتاً اعلام نموده است: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود» از نظر علم اصول، مفهوم مخالف این ماده آن است که هر فعل یا ترک فعلی که مقنن در خصوص آن سکوت اختیار کرده و هیچ مجازاتی برای آن تعیین ننموده، اباحه تلقی می گردد و جرم نیست.

برای اینکه جرمی به مرحله تکوین و منصفه ظهور برسد، لازم می باشد، تا شخص بزهکار از مراحل عبور نموده تا نهایتاً آنچه که مطلوب وی می باشد، واقع گردد. مراحلی که اصولاً یک بزهکار در ارتکاب عمل مجرمانه با آن مواجه می باشد، عبارتند از:

- ۱- مرحله قصد مجرمانه
- ۲- مرحله عملیات مقدماتی
- ۳- مرحله شروع به اجرای جرم
- ۴- مرحله اجرای جرم.

در قوانین موضوعه جزایی ما علاوه بر جرایمی که عموماً جرایم تام یا کامل تلقی می گردد به طور خاص یا یکسری جرایمی مواجه هستیم که ناتمام بوده و تمامی مراحل جرم در آن شکل نگرفته است که از آن اصطلاحاً به عنوان "شروع به جرم" یاد می کنند.

برخلاف جرایم تام یا کامل که تمامی مراحل متشکله جرم را دارند و در انتساب بزه ارتکابی به مرتکب آن هیچ گونه شک و تردیدی راه ندارد در مرحله شروع به جرم، در انتساب جرم به مرتکب آن همیشه شک و تردید وجود دارد و مقامات قضایی را همیشه با این سؤال مواجه می سازد که آیا مرتکب در مرحله اعمال مقدماتی می باشد یا

در مرحله شروع به اجرا؟ نتیجتاً کشف این واقعیت بر عهده مقامات قضایی می باشد که باید حسب اوضاع و احوال حاکم بر قضیه به حقیقت پی ببرند.

از این مراحل چهار گانه از تکاب جرم، مرحله "قصد ارتکاب جرم و مرحله عملیات مقدماتی" تحت هیچ گونه شرایطی جرم نمی باشد، مگر در خصوص عملیات مقدماتی آن هم در صورتی که ارتباط مستقیم با وقوع جرم داشته باشد، که در این صورت به دلالت ماده ۴۱ ق.م.ا تحت عنوان "شروع به جرم، نه عملیات مقدماتی" آن هم در صورتی که مقنن آن را جرم دانسته باشد، قابل تعقیب کیفری می باشند.

پس بنا بر آنچه که مذکور افتاده، نگارنده، برخلاف نظر آن دسته از نویسندگان^(۱) که قصد مجرمانه را استثنائاً جرم می دانند و چنین بیان داشته اند: «مع ذلک استثنائاً قصد و اراده فاعل قبل از آن که آثار خارجی پیدا کند.

نظریه حکم قانون خود عنوان جرم مستقلی می یابد، نظیر تهدید به قتل و ضررهای نفسی یا عرضی و آبرویی، تهدید به افشای سر و...» با این نظر موافق نیست و آن را ناشی از استنباط ناصحیح از مواد (۶۶۸ و ۶۶۹) ق.م.ا می داند، چرا که با بررسی و تدقیق در قوانین موضوعه کشور، در هیچ جایی مقنن برای صرف اندیشه مجرمانه یا قصد ارتکاب جرم مجازات تعیین ننموده است، علت این امر هم آن می باشد که این مرحله از ارتکاب جرم

■ هر فصل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود»
از نظر علم اصول، مفهوم مخالف این ماده آن است که هر فعل یا ترک فعلی که مقنن در خصوص آن سکوت اختیار کرده و هیچ مجازاتی برای آن تعیین ننموده، اباحه تلقی می گردد و جرم نیست ■



تحت هیچ شرایطی قابل احراز نمی باشد و مقام قضایی نمی تواند بفهمد که در ذهن افراد جامعه چه می گذرد و چه بسا که این امر به تفتیش عقاید و افکار بیانجامد که امری مذموم و ناپسند تلقی گردیده است. نتیجتاً ماده (۶۶۹) ق.م.ا که اشعار می دارد: «هر گاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا با افشاء سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این وابسته تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه یا زندان از ۲ ماه تا ۲ سال محکوم خواهد شد.»

مبین مرحله اول ارتکاب جرم یعنی "قصد یا اندیشه مجرمانه" نمی باشد بلکه نگارنده بر آن است که از نظر مقنن مرتکب از مرحله "شروع به اجرای جرم" هم فراتر رفته و در مرحله "اجرای جرم" که مرحله نهایی و پایانی ارتکاب بزه می باشد، قرار دارد و جرم را کاملاً انجام داده است. تهدید به قتل یا ضررهای نفسی عنصر مادی جرم ماده (۶۶۹) ق.م.ا می باشد که باید در عالم خارج با اعمال و رفتاری به منصفه ظهور برسد، پس صرف اینکه شخصی با دیدن یک فرد، در قوه مخیله خود وی را تهدید نماید، بدون اینکه این تهدید را به زبان بیاورد و یا با اعمال و رفتار ظاهر نماید، عمل وی به علت فقدان عنصر مادی جرم، قابل تعقیب و کیفر نمی باشد.

و اما در خصوص مرحله سوم ارتکاب جرم که آن را اصطلاحاً "شروع جرم" می دانند نگارنده هماهنگ با اکثریت دکتین حقوق جزا بر این عقیده است که شروع به جرم، قابل مجازات نیست، مگر اینکه قانونگذار صراحتاً اعلام کرده باشد، پس برخلاف عقیده آن دسته از نویسندگان که معتقدند شروع به جرم اصولاً قابل مجازات است^(۲) نویسنده با این نظر موافق نیست و آن را ناشی از ادراک ناصحیح از قوانین موضوعه در خصوص شروع به جرم می داند.

نتیجه اینکه در خصوص شروع به جرم نیز اصل لازم الرعایه "قانونی بودن جرم و مجازات" که مدلول ماده (۲) ق.م.ا است رعایت می گردد و با در نظر گرفتن ماده (۴۱) ق.م.ا که در راستای

ماده (۲) ق.م.ا وضع گردیده، باید شروع به جرم را نسبت به موارد تصریح شده در قوانین موضوعه کیفری نسبت داد و در موارد شک و شبهه به قدر متیقن حاصله از مدلول ماده (۴۱) ق.م.ا که همان "جرم نبودن شروع به جرم است" اکتفا نمود.

نگارنده در خصوص شروع به جرم به این چند مطلب کلی و کوتاه فوق بسنده می نماید و ذهن خوانندگان محترم را به بررسی این مبحث معطوف می گرداند که آیا "شروع به نوزاد ربایی" در قوانین موضوعه فعلی کشور جرم تلقی می گردد یا نه؟

مبحث اول:

یکی از مسائلی که بنظر می رسد در قانون مجازات اسلامی کمتر مورد بررسی و تبیین دکترین و مشاهیر حقوق کیفری قرار گرفته و ظاهراً هنوز سابقه قضایی هم برای آن یافت نشده (به نظر نگارنده) اما ممکن است دیر یا زود مورد سؤال قرار گیرد مسئله "شروع به نوازدربایی" در حقوق موضوعه کشور می باشد، بررسی موضوع را با این سؤال شروع می کنیم که آیا شروع به نوزاد ربایی جرم است یا نه؟

قانونگذار در ماده (۶۲۱) ق.م.ا اشعار داشته: «هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را بر باید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شد مرتکب حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم خواهد شد.»

تبصره: مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.

ماده قانونی مذکور در مقام بیان عناصر قانونی و مادی بزه "آدم ربایی" می باشد، که عنصر معنوی هم در آن مستتر می باشد.

مقنن بعد از نگارش نه ماده قانونی دیگر، در ماده (۶۲۳) ق.م.ا عنصر قانونی و مادی بزه "نوزادربایی" و مخفی نمودن نوزاد را مطرح نموده و بدین شکل



■ **بر خلاف جرایم تام یا کامل که تمامی مراحل متشکله جرم را دارند و در انتساب بزه ارتکابی به مرتکب آن هیچ گونه شک و تردیدی راه ندارد، در مرحله شروع به جرم، در انتساب جرم به مرتکب آن همیشه شک و تردید وجود دارد و مقامات قضایی را همیشه با این سؤال مواجه می سازد که آیا مرتکب در مرحله اعمال مقدماتی می باشد یا در مرحله شروع به اجرا؟** ■

ماده (۶۳۱) ق.م.ا در مقام عنصر قانونی بزه نوزاد ربایی اشعار می دارد: «هر کس طفلی را که تازه متولد شده است بدزد یا مخفی کند یا او را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده است مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.»

حال سؤالی که در اینجا مطرح می گردد این است که تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا که اشعار می دارد: «مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است.» آیا این تبصره که در ذیل عنصر قانونی بزه تام "آدم ربایی" در ماده (۶۲۱) ق.م.ا قرار گردیده

شامل ماده (۶۳۳) ق.م.ا که ماده قانونی اخیرالذکر در مقام تبیین بزه نوزادربایی می باشد، می شود یاخیر؟

به دیگر سخن آیا شروع به نوزادربایی را می توان به استناد تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا جرم دانست؟

شاید در ابتدای امر عده ای به این سؤال این گونه پاسخ دهند که چون تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا «اطلاق» دارد.

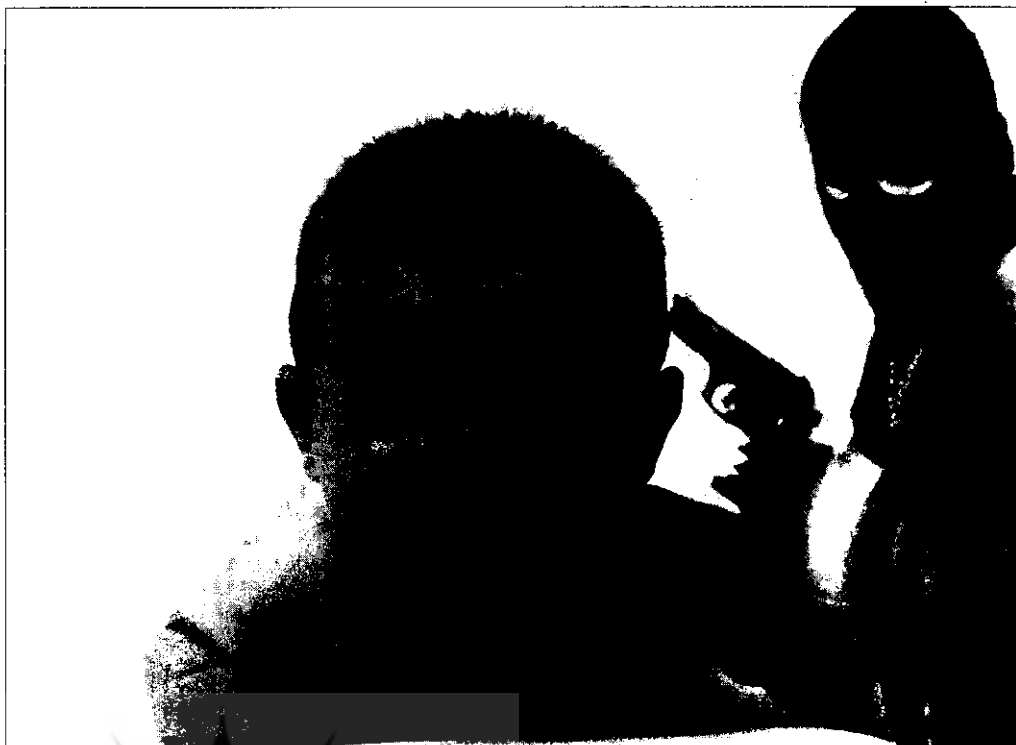
بنابراین عموم و اطلاق تبصره مذکور منادی تعیین کیفر و مجازات هم برای بزه "شروع به آدم ربایی" و هم «شروع به نوزادربایی» بوده و بین نوزاد و غیرنوزاد که همان اطفال و بزرگسالان می باشند تفاوتی وجود ندارد، اما نگارنده با این نظر هر چند که به ظاهر پاسخی منطقی و موجه می نماید موافق نیست و آن را بنا به دلایل ذیل غیر موجه و مخدوش می داند، زیرا اولاً: اگر مقصود مقنن از تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا «اطلاق» تبصره مذکور بوده لازم بود که ماده (۶۳۱) ق.م.ا، بلافاصله بعد از ماده (۶۲۱) ق.م.ا ذکر می شد، و بعد از این دو ماده، قانونگذار تبصره مذکور را ذکر می کرد. و از طرفی تبصره علی الاصول در جایگاه استثنا قرار دارد و از حیث متولوزی تفسیر قوانین باید تبصره را محدود و مضیق تبیین کرده و به قدر متیقن اکتفا نمود.

ثانیاً: مقنن مجازات جرم تام "نوزادربایی" را در ماده (۶۲۱) ق.م.ا، را ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعیین نموده است، در حالی که مجازات "شروع به جرم" در تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا، ۳ تا ۵ سال حبس است. در یک مقایسه ساده مشخص می گردد که





■ این سؤال در ذهن نگارنده و دیگران بوجه آمدن است که چرا "شروع به آدم ربایی" جرم می باشد ولی "شروع به نوزاد ربایی" جرم نیست در حالی که با توجه به ماهیت فطرت‌ناک و شنیع چنین جرمی، نوزادان به مراتب سهل‌تر از اطفال و بزرگسالان در معرض تعرض مجرمین فطرت‌ناک می باشند و بیشتر به حمایت قانونی نیاز دارد ■



ذکر شد، حتی مجازات جرم تام نوزاد ربایی از مجازات شروع به جرم آدم ربایی هم کمتر تعیین گردیده است و این در حالی است که نوزاد به مراتب آسانتر در معرض تعرض بزهکاران می باشد. به نظر می نماید که چنین تفاوتی در میزان مجازات دو جرم آدم ربایی و نوزاد ربایی که ماهیتاً یکسان می باشند مبنای حقوقی بایسته را نداشته و ناشی از غفلت مقنن است و از طرفی با توجه به شرایط کنونی جامعه ما که نازایی معضلی بزرگ در کانون گرم خانواده ها می باشد، امید است که مقنن برای این نقصان ذکر شده در آینده نه چندان دور، تدبیری اتخاذ نماید تا یکی از اهداف مجازات را که جنبه «بازدارندگی» آن می باشد را جامه عمل بپوشاند.

مبحث دوم:

و سؤالی که ذکر آن بی فایده نیست این است که آیا صدور قرار بازداشت موقت اجباری با حصول شرایط مقرر در قانون، در خصوص مرتکبان بزه نوزاد ربایی امکان دارد؟

به دیگر سخن، قانونگذار در بند (الف) ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مقام قضایی را مکلف نموده که در صورت حصول شرایط مقرر، در خصوص

و شنیع چنین جرمی، نوزاد به مراتب سهل تر از اطفال و بزرگسالان در معرض تعرض مجرمین خطرناک می باشند و بیشتر به حمایت قانونی نیاز دارد که متأسفانه چنین سیاست تقنینی قانونگذار یک نقطه ابهام یا راه فرار قانونی بر جای گذاشته که از طریق آن فردی با انجام رفتار سرزنش آمیز می تواند از مسئولیت کیفری فرار کند مضافاً عملاً هم داشتن دو ضابطه متفاوت برای موضوعات با ماهیت یکسان، موجب سردرگمی محاکم شده و غیر ضروری بوده و چنین قاعده و روشی مورد حمایت ادبیات حقوقی نیست.

از ایرادات دیگری که بر قانونگذار وارد می باشد در مورد مقدار مجازات تعیین شده در خصوص بزه نوزاد ربایی می باشد که در ماده ۶۳۱ ق.م.ا، ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعیین گردیده است این در حالی است که مقنن برای بزه تام آدم ربایی در شرایط عادی ۵ تا ۱۵ سال حبس تعیین نموده و این سؤال را مقنن در ذهن نگارنده و مخاطبین خود ایجاد کرده که چرا نوزادی که تازه دیده به جهان گشوده مورد تبعیض یا بی توجهی قانونگذار قرار گرفته، از یک طرف قانونگذار شروع به نوزاد ربایی را برخلاف شروع به آدم ربایی جرم ندانسته (نظر نگارنده)، از سوی دیگر همان گونه که قبلاً هم

حداقل و حداکثر کیفر مقرر برای شروع به جرم، در تبصره ماده (۶۲۱) ق.م.ا از جرم تام نوزاد ربایی بیشتر می باشد، پس نتیجتاً منطقی و معقول نیست که مجازات شروع به نوزاد ربایی از مجازات جرم تام نوزاد ربایی بیشتر باشد، علی هذا بنا بر مراتب فوق نگارنده بر آن است که برخلاف شروع به آدم ربایی، شروع به نوزاد ربایی در قوانین موضوعه فعلی جرم نباشد، همان چیزی که مقنن خواسته یا ناخواسته در پرده استتار بر آن صحنه گزارده است، البته آنچه که بیان شد منادی آن نیست که نگارنده موافق جرم نبودن بزه شروع به نوزاد ربایی است بلکه استنباط نگارنده از نحوه تدوین مواد قانونی مربوط این است که مقنن شروع به نوزاد ربایی را جرم ندانسته است و همان طور که قبلاً هم ذکر شد این یکی از ایرادات واضح و مبرهنی می باشد که بر مقنن وارد می باشد، زیرا قانونگذار یکی از اصول و شرایط اصلی قانون نویسی را که همان یکنواختی، انسجام و هماهنگی در نگارش مواد قانونی مرتبط و دارای ماهیت یکسان می باشد را رعایت نکرده است و این سؤال در ذهن نگارنده و دیگران بوجه آمدن است که چرا "شروع به آدم ربایی" جرم می باشد ولی "شروع به نوزاد ربایی" جرم نیست در حالی که با توجه به ماهیت خطرناک

مرتکب بزه "آدم ربایی" قرار «بازداشت موقت» صادر نماید، آیا این شامل مرتکب بزه نوزادربایی هم می باشد یا خیر؟

همچنین به استناد ماده ۳۰ ق.م.ا مجازات کسانی که به جرم آدم ربایی محکوم می گردند قابل تعلیق نیست، آیا این ممنوعیت تعلیق مجازات در خصوص محکومین بزه نوزادربایی هم قابل اعمال است؟

به نظر می رسد که با توجه به دلایل ذیل مجازات محکومین به جرم نوزادربایی برخلاف محکومین آدم ربایی قابل تعلیق باشد و نباید این گونه تصور نمود که از نظر مقنن بزه آدم ربایی با نوزادربایی تفاوتی ندارد و قانونگذار در ماده ۳۰ ق.م.ا تسامحاً بزه آدم ربایی را بیان داشته است اولاً در زمان وضع ماده ۳۰ ق.م.ا بزه آدم ربایی جرمی متفاوت از بزه نوزادربایی بوده و قانونگذار براین امر التفات لازم را داشته و عمداً (نه تسامحاً) فقط از بزه آدم ربایی نامبرده، و بنظر می رسد که توجه حقوقی این سیاست تقنینی مقنن این می باشد که از نظر مقنن مرتکبین بزه آدم ربایی برخلاف مرتکب بزه نوزادربایی دارای حالت خطرناک بیشتر می باشند و این امر از مقایسه مجازات دو جرم مذکور بیشتر آشکار می گردد البته نکته لازم به ذکر این است که نگارنده موافق سیاست تقنینی مذکور نمی باشد همان مطلبی که قبلاً هم ذکر شد، بلکه استنباط نگارنده از نگرش در مواد قانونی ذکر شده می باشد.

ثانیاً: تفسیر مضیق قوانین جزایی ایجاب می نماید که دامنه ماده (۳۰) ق.م.ا محدود به آدم ربایی گردد، و بزه نوزادربایی از شمول آن خارج گردد، و اما در خصوص قرار بازداشت موقت اجباری در ماده (۳۵) ق.آ.د.ک، همان طور که برخی از دکترین حقوق جزا بیان نموده اند، بازداشت موقت اجباری از نظام تقنینی کشور ما (جز در موارد مذکور در قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۵ آذر ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) رخت بر بسته است^(۳) و می توان هماهنگ با عقیده برخی از حقوقدانان براین باور بوده که تدقیق در ماده ۳۵ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مبین این امر است که

قانونگذار جواز بازداشت موقت را ماده مارالذکر بیان داشته^(۴)، علی رغم این استدلال آیا در خصوص بزه نوزادربایی هم، در صورتی که شرایط مقرر در ماده (۳۲ و ۳۵) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مهیا گردد مقام قضایی می تواند اقدام به صدور بازداشت موقت اجباری نماید یا خیر، که پاسخ این سؤال ایضاً همان استدلال و نتیجه ای می باشد که در خصوص ماده (۳۰) ق.م.ا ذکر گردید، البته همان طور که قبلاً هم ذکر شد، نگارنده با این برخورد دوگانه قانونگذار در خصوص مرتکبین جرایمی که ماهیتاً یکسان و دارای حال خطرناک همپراز هستند موافق نیست و این امر را ناشی از "تساهل" نه تسامح مقنن و به دور از فن قانون نویسی دانسته که موجبات استنباط ناصحیح از قانون را برای مخاطبین خود به همراه دارد.

نکته قابل توجه در ماده (۶۲۱) ق.م.ا این می باشد که قانونگذار تحت شرایطی که عبارتند از اینکه، ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد نشود برای مرتکبین جرم آدم ربایی حداکثر مجازات را تعیین نموده است که این ((سیاست تریبی)) مقنن هم به نوعی چوب لای چرخه سرعت بزهکاران آدم ربایی می باشد، و هم سلامت جسمی و روحی شخص ربوده شده را بیش از پیش

■ از ایرادات دیگری که بر قانونگذار وارد می باشد در مورد مقدار مجازات تعیین شده در فصوص بزه نوزادربایی می باشد که در ماده ۶۳۱ ق.م.ا، ۶ ماه تا ۳ سال حبس تعیین گردیده است این در حالی است که مقنن برای بزه تا ۵ تا ۱۵ سال حبس تعیین نموده و این سؤال را مقنن در ذهن نگارنده و مخاطبین خود ایجاد کرده که چرا نوزادی که تازه دیده به جهان گشوده مورد تبعیض یا بی توجهی قانونگذار قرار گرفته است ■

تضمین می نماید و ای کاش قانونگذار در خصوص مرتکبین بزه نوزادربایی هم، چنین علل مشدده مجازات را پیش بینی می نمود تا نوزادان هم از این حمایت ویژه قانونگذار بی بهره نمی ماندند و حتی شایسته بود که قانونگذار ((سیاست ترغیب)) بزهکاران مرتکب بزه آدم ربایی و نوزادربایی را اتخاذ می نمود. تدبیر قابل تقدیری که مقنن در ماده (۵۸۵) ق.م.ا در خصوص مرتکبین بزه "توقیف غیرقانونی" اعمال نموده و چنین بیان داشته که اگر شخص توقیف شده را بیش از پنج روز توقیف نکرده باشند، مجازات کمتری نسبت به ماده ۵۸۳ ق.م.ا اعمال می گردد.

نتیجه:

مرتکبان بزه نوزادربایی و آدم ربایی از حالت خطرناک یکسان برخوردار می باشند و تمایز قانونگذار در خصوص "مجازات" مرتکبین این دو جرم که دارای ماهیت حقوقی یکسان باشند دارای مبنای حقوقی بایسته ای نمی باشد و این امر ناشی از غفلت و بی توجهی مقنن است.

و در خصوص شروع به جرم نوزادربایی که قانونگذار در مورد آن سکوت اختیار نموده است به دلالت ماده ۴۱ ق.م.ا و دلایلی که قبلاً ذکر گردید، به نظر می رسد که شروع به نوزادربایی جرم نمی باشد، البته ناگفته نماند سیاست کیفری که قانونگذار فعلی در مقایسه با قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ در خصوص بزه نوزادربایی اتخاذ نموده چندان تفاوتی نداشته است ولی در خصوص بزه آدم ربایی متأسفانه سیاست کیفری ترغیبی مثبتی (تخفیف مجازات در صورتی که مرتکب مجنی علیه را قبل از صدور کیفرخواست، به اولیای او تسلیم نماید و رضایت وی را جلب کند) که در قانون مجازات عمومی سال ۱۳۰۴ و قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص مصوب اسفند ماه ۱۳۵۳ وجود داشت، نادیده گرفته، در حالی که با توجه به یویایی حقوق، پیشرفت جامعه و پیچیدگی جرایم و مواجه شدن با بزهکاران حرفه ای در سال های کنونی، این انتظار می رفت که مقنن در صد تقویت چنین سیاست های مثبت ترغیب بزهکاران باشد تا به نوعی بستری فراهم گردد تا شاید بزهکاران این قبیل جرایم از عمل خود پشیمان



گشته و راه بازگشت آن ها به جامعه هموار گردد و هم در لوای چنین سیاستی، بزه دیدگان، زودتر از چنگال بزه‌کاران نجات یابند. علی‌هذا سیاست تقنینی جنایی اتخاذ شده از سوی قانونگذار در خصوص بزه "نوزادریایی" نیاز به بازنگری اساسی دارد. نگارنده علی‌رغم موافقت با اصل کلی "جرم‌زدایی" در جامعه، "جرم‌انگاری" از پدیده‌ی شروع به نوزادریایی را پیشنهاد می‌کند. بنابراین مادّین مذکور دارای ایهامات و نواقصی می‌باشد که جهت یکپارچه کردن جرایم با ماهیت یکسان و رعایت اصول و فن قانون نویسی و حمایت بیش از پیش بزه دیدگان پیشنهادات ذیل ارائه می‌گردد:

۱- عبارت نوزادریایی در ماده (۳۰) ق.م.ا در کنار محکومین آدم ربایی بدان الحاق گردد.

۲- ماده (۶۲۱) ق.م.ا بدین شکل اصلاح گردد: هر کس به هر منظوری و به هر شکلی شخصاً یا توسط دیگری فردی را برباید یا مخفی نماید یا

نوزادی را به جای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید، به پنج تا پانزده سال حبس محکوم خواهد شد.

تبصره ۱: در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد، یا ربودن توسط وسیله نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی و حیثیتی وارد شود و یا در خصوص نوزادریایی، مرتکب از مستخدمین محل تولد نوزاد باشد، مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می‌گردد.

تبصره ۲: در مورد ماده قبل در صورتی که مرتکب قبل از صدور کیفرخواست یا بعد از صدور کیفرخواست و قبل از دستگیری مجنی علیه را به اولیای او یا ضابطین دادگستری تسلیم نماید یا موجبات تسلیم او را فراهم کند به کمتر از حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد و هرگاه مرتکب تا قبل از صدور حکم قطعی مجنی علیه را تحویل

دهد، یا موجبات تسلیم را فراهم نماید به حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

تبصره ۳: مجازات شروع به ربودن ۳ تا ۵ سال حبس است.

۳- ماده (۶۲۲) ق.م.ا: در مورد ماده قبل چنانچه احراز گردد که مجنی علیه قبل از ربودن فوت کرده است، مرتکب به ۳ ماه تا ۲ سال حبس یا از ده میلیون تا چهل میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

پی نوشت ها:

۱- شکر، رضا - سیروس، قادر، قانون مجازات اسلامی در نظام حقوقی کنونی، ص ۹۰، چ دوم، نشر مهاجر.

۲- مرادی، حسن، شرکت و معاونت در جرم، جلد ۱، نشر میزان، ۱۳۷۳، ص ۳۳.

۳- عاشوری، دکتر محمد، آیین دادرسی کیفری، انتشارات سمت جلد دوم، چ دوم، ص ۱۵۴.

۴- زراعت، دکتر عباس - مهاجری، علی، آیین دادرسی کیفری، انتشارات فکر سازان، چ اول، صص ۱۵۴ و ۱۵۵.

کلامی

ماهنامه دادرسی از تمامی علاقه مندان به خصوص مشترکین محترم جهت شرکت در پانزدهمین نمایشگاه مطبوعات و خبرگزاری ها که از تاریخ بیست و ششم آبان ماه لغایت دوم آذر ماه در مصلاهی تهران برگزار می گردد دعوت به عمل می آورد.

با بازدید از غرفه دادرسی و اشتراک

لغو تخفیف ویژه

نمایشگاه بهره مند شوید